

همه موارد

رتبه ۵ کنکور علوم انسانی، دوری از فضای مجازی، مدیریت زمان حمایت خانواده و پشتکار را راز قبولی‌اش می‌داند

در میان رتبه‌های برتر آزمون سراسری امسال، خانه‌سادات صالحی بایگی تنها نام‌آور خطه خورشید است که توانسته است رتبه پنجم‌گروه آزمایشی علوم انسانی را از آن خود کند. در این مجال، دقایقی با او همراه می‌شویم تا از چندوچون مسیر موفقیتش بیشتر بدانیم.

خانه‌سادات هجده‌ساله، فرزند اول خانواده‌ای پنج‌نفره است که در آن والدین هم دانش‌آموخته علوم انسانی در مقطع دکترا هستند؛ اما این تنها عامل مؤثر در انتخاب رشته خانه‌سادات نبوده و او برخلاف روال مرسوم دانش‌آموزان، از دوران متوسطه اول در زمینه علوم انسانی تحقیق کرده و به آن علاقه‌مند شده است: «همه چیز علوم انسانی برایم جالب و جذاب است، به‌ویژه دروس فلسفه که در پایه دوازدهم به سؤالات و چارهای ذهنم پاسخ داد. به همین دلیل در پایه نهم فرم انتخاب رشته را برای علوم انسانی پر کردم، اما از آنجا که معدل همیشه بالای نوزده بود، وقتی دبیر ریاضی از این تصمیمم مطلع شد، با پدرم تماس گرفت تا مرا از انتخاب این رشته منصرف کند، غافل از اینکه انتخاب من از روی آگاهی و علاقه بود و خانواده هم حمایت می‌کنند.»

زهرا شریعتی

گزارش روز



گذشته تلفن همراه خریدم، اما فقط تا دی‌ماه از آن استفاده کردم و بعد آن را در اختیار والدینم گذاشتم تا هم از خبرها و استرس‌ها دور باشم، هم وقتم در فضای مجازی تلف نشود و بتوانم برای مطالعه تمرکز داشته باشم. الان هم که کنکور تمام شده است، خیلی کم از تلفن همراه استفاده می‌کنم و ترجیح می‌دهم به جای فضای مجازی، اوقات فراغتم را با خانواده یا مطالعه بگذرانم.»

موفقیتم را مرهون ارتباط با خدا و اهل بیت^(ع) هستم

این رتبه برتر آزمون سراسری، با اشاره به اینکه معنویت عامل بسیار مهم و مؤثری در آرامش و موفقیتش بوده است، یادآوری می‌کند: «بخش عمده موفقیتم تا این لحظه را مرهون خداوند و توکل به او و توسل به ائمه اطهار^(ع) هستم، نه صرف درس خواندن. مهم است که انسان به منبع قدرتی بزرگ و بی‌نظیر متصل باشد و کمک بگیرد. من چند ماه منتهی به کنکور برای آرامش بیشتر به مسجد می‌رفتم و نماز جماعت می‌خواندم. البته نمی‌گویم که عوامل مادی یا اقتصادی تأثیری ندارند، اما اثرشان به اندازه تلاش و پشتکار و توکل نیست، چنان که می‌بینیم کم نیستند افرادی که از خانواده‌های کم‌درآمد اما مؤمن به موفقیت‌های چشمگیر دست یافته‌اند.»

او که به دلیل علاقه به همه رشته‌های علوم انسانی، هنوز برای انتخاب رشته و دانشگاه به جمع‌بندی نرسیده است، در پایان صحبت‌مان قاطعانه حتی فکر مهاجرت از کشور را هم رد می‌کند.

سالم در جسم و بدن سالم است، به همین دلیل سعی می‌کرم ضمن مراقبت‌های جسمی، شب‌ها زودتر بخوابم و صبح‌ها زودتر بیدار شوم تا هم سرحال باشم، هم زمان کافی در اختیار داشته باشم.»

فقط برای مرحله دوم مطالعه داشتم

خانه‌سادات شیوه و برنامه مطالعه را امری فردی و وابسته به شرایط و علایق هر فرد می‌داند و درباره چگونگی مطالعات خودش می‌گوید: «باتوجه به اینکه برادرانم خیلی کوچک هستند و شلوغ کاری نداشتند، من در خانه و اتاقم مطالعه می‌کردم. برای مرحله اول کنکور چون ۹ ساعت در مدرسه بودم و دروس را هم خوب فرا گرفته بودم، نیازی به مطالعه ندم. از اول سال ۱۴۰۱ تا کنکور مرحله اول، تمرکز روی دروس پایه دوازدهم بود تا امتحانات نهایی را خوب بگذرانم، اما برای مرحله دوم از پهن‌ماه، مطالعه دروس سه پایه گذشته را شروع کردم. هر درسی را به تناسب محتوایش با یک روش مرور می‌کردم. مثلاً دروس حفظی را از طریق تدریس برای دیگران و دروس منطقی را از طریق تمرین مداوم حل مسئله، اما در مجموع خلاصه‌نویسی کمک زیادی به من کرد.»

مطالعه و با خانواده بودن را به فضای مجازی ترجیح می‌دهم

جالب است بدانید که این دانش‌آموز موفق تا هفده سالگی تلفن همراه نداشته و بیشتر زمان آذاش را به مطالعه آن هم مطالعات بزرگ‌تر از سن خودش اختصاص می‌داده که به گفته خودش، به او وسعت دید خوبی نسبت به جهان و زندگی داده است: «تابستان سال

را کاست، اما این طور نبود که خود را محصور کنم و هیچ کار نکنم یا هیچ جا نروم. پدر و مادرم هم وضع را درک می‌کردند و معمولاً مهمانی‌های غیرضروری را به خاطر من شرکت نمی‌کردند.

برای کسب انرژی و رفع یکنواختی هم، ورزش‌های مورد علاقه‌ام را انجام می‌دادم،»

به مشاور، نه کلاس کنکور
این نخبه مشهدی نه تنها در کلاس‌های کنکور مؤسسات، بلکه حتی در کلاس‌های کنکور مدرسه هم شرکت نکرده و تنها هزینه‌ای که برای کنکور داشته، در حد یک آزمون مجازی و چند کتاب تست بوده است: «باتوجه به اینکه سطح کلاس‌های درس عادی‌مان خوب بود و هر سال دروس همان پایه را به خوبی و عمیق یاد می‌گرفتم و اگر اشکالی هم بود، همان‌جایی پرسیدم و رفع می‌شد. نیازی به تکرار آموزش و کلاس‌های خارج از مدرسه نداشتم. از طرفی، والدینم خودشان تحصیل کرده رشته انسانی بودند و بهترین مشاوره‌ها را ارائه می‌دادند. بنابراین از مشاور دیگری استفاده نکردم. مادرم تأکید داشت فکر

باور غلطی که دیگر جایگاهی ندارد

این دانش‌آموز مدرسه‌فرزاتگان با تأکید بر اینکه به دلیل حرف یا نظر دیگران درس نمی‌خواند، بلکه هدفش رشد استعدادها و مفیدبودن برای جامعه است، ادامه می‌دهد: «اینکه هرکس معدل خوبی داشت، حتماً باید در رشته‌های ریاضی یا تجربی تحصیل کند و افراد ضعیف‌تر وارد رشته انسانی شوند که آسان‌تر است، یک باور غلط و روبه‌زوال است، چرا که بسیاری از هم‌کلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌هایم را دیدم که مانند من با معدل بالا، رشته انسانی را انتخاب کردند.»

از یاد گرفتن لذت می‌برم

او از آن دست دانش‌آموزانی بوده است که عاشق یادگرفتن هستند و از درس خواندن نه تنها خسته نمی‌شوند، بلکه لذت می‌برند: «به دلیل علاقه‌ام به یادگیری، همیشه از درس خواندن لذت برده‌ام و با اینکه برای کنکور، روزانه بیش از دوازده ساعت مطالعه داشتم، هرگز احساس خستگی و ناراحتی نداشتم. تفریح‌اتم را محدودتر کرده بودم، چون طبیعتاً برای رسیدن به یک هدف بزرگ باید کارهای غیرضروری



از انتشار اخبار کذب تا یک تکذیب ساده!



تعداد دانه‌های رنگی داخل گوی بیشتر از ۴ هزار است یا کمتر از آن؟ «همین سؤال از گروه دوم با تغییر جزئی پرسیده شد. بدین صورت که «به نظر شما تعداد دانه‌های رنگی داخل گوی بیشتر از ۶ هزار است یا کمتر از این عدد؟»

از پاسخ‌های گروه اول بود. یعنی ذهن مخاطب سؤال، معطوف به عددی شده بود که پرسشگر در ابتدای سؤال مطرح کرده بود.

این اثر می‌تواند با هدف‌های مثبت یا منفی به کار برده شود. کاربرد آن در تربیت فرزند بسیار زیاد است. به عنوان مثال می‌توان به برداشتن کام نوزاد با تربت امام حسین^(ع) اشاره کرد. مثال دیگر اینکه فرزند نوجوان یا جوان شما این را به یاد دارد که هر بار او را به حرم امام رضا^(ع) برده‌اید، خاطره خوبی برایش رقم خورده است. احتمالاً چون از طرف خادمان، زائران یا شما هدیه‌ای هر چند کوچک دریافت کرده است و مهم‌تر اینکه آرامش و محبت پدر و مادر را در آنجا به چشم دیده است.

به عنوان نمونه‌ای از کارکرد منفی اثر لنگر، به ماجرای اهدای گوسفندان توسط کارگزاران معاویه و بازپس‌گیری آن‌ها بعد از مدتی اشاره می‌کنم. قضیه از این قرار بود که معاویه، بره‌هایی را به کودکان می‌داد و این گونه گفته می‌شد که این هدیه‌ای است از طرف او. چند ماه بعد گروهی دیگر از کارگزارانش با حمله به همان جا گوسفند را به زور از کودکان می‌گرفتند و بیان می‌کردند که ما از کارگزاران سپاه علی^(ع) هستیم! آیامی توانید تصور کنید عمو نفرتی را که در دل آن طفل مصوم از امیرالمؤمنین علی^(ع) شکل می‌گرفت؟

کسی چه می‌داند، شاید بخشی از همین کودکان تأثیرپذیرفته از اثر لنگر، در روز عاشورا به بازیگران اصلی صحنه نبرد علیه امام حسین^(ع) تبدیل شده بودند.

چند روز قبل در فضای مجازی تصویری به چشم خورد که در آن کودکی به داخل کانال فاضلاب شهری سقوط کرده بود. منتشرکننده ادعا می‌کرد این اتفاق در گوشه‌ای از کشور رخ داده است. درحالی که مطلب او را چند هزار نفر مشاهده و تأیید کرده بودند. خودش به اشتباه از خودش پی برد. ادعایش را درباره محل وقوع این اتفاق پس گرفت و اعلام کرد که ماجرا در خارج از ایران اتفاق افتاده است.

فارغ از گناه شبهه‌افکنی و انتشار خبر دروغ، بیابید به اثر روانی که او به ذهن خواننده‌اش القا کرده است، بپردازیم. فرض کنیم همه خوانندگان خبر اول، مطلب دوم را هم خوانده و به اشتباه بودن خبر نخست پی برده باشند. باین حال، طبق اثر لنگر، باز هم این ذهنیت منفی به‌طور کامل پاک نخواهد شد.

اثر لنگر به‌طور خلاصه به این نکته اشاره می‌کند که بیشتر ذهنیت ما درباره یک چیز در همان اولین برخورد یا رویارویی‌مان شکل می‌گیرد، به گونه‌ای که در دفعات بعد مواجهه هم، تصمیمات ما ناشی از همان ذهنیت اولیه خواهد بود. در دنیای رسانه به اثر لنگر، قانون «اولین روایت» گفته می‌شود. وقتی این روزها فضای داغ مجازی را رصد می‌کنیم، مکرر به خبرهایی برمی‌خوریم که مدتی بعد توسط کسی که آن را پخش کرده بود، تکذیب می‌شود. به بیان دیگر، فردی که منتشرکننده خبر بود، در کانال یا صفحه‌اش اعلام می‌کند که این خبر اشتباه است.

برای بررسی علمی اثر لنگر، در یک آزمایش جالب علمی یک گوی شیشه‌ای را پر از دانه‌های کوچک رنگی پر کردند. (فرض کنید داخل یک تنگ ماهی را پر از دانه‌های تسبیح کنیم). سپس از دو گروه شرکت‌کننده خواسته شد که نسبت به تعداد دانه‌های موجود در داخل گوی اظهارنظر کنند. هنگامی که آن‌ها درباره تعداد گوی‌ها سؤال می‌شد، سؤال این طور بود: «به نظر شما

فصل سرد اسارت و گرمای مهر ایرانی



صاحب فرزند شدند با اینکه آن‌سو، دشمن فرزندان ما را مظلومانه می‌کشت. هرکس می‌خواهد ما را بشناسد و مرامان را بداند، شیوه تعامل ما با اسرای دشمن را بخواند، اسرایی که بعضی از آن‌ها تا آخرین گلوله خود را در جان مدافعان ما خالی کرده بودند. ما اما همین که دست خالی خود را بالا بردند، دلمان از کینه خالی شد و با مهر در افزایش نه انصاف که مروت را در حقشان تمام کردیم.

این روزها که سالگرد آزادی اسرا و بازگشت آزادگان به ایران عزیز است، خوب خواهد بود تا دنیا را نسبت به شناخت خود آگاه کنیم. اگر بدانند چه سلوکی داشتیم، شاید نگاهشان اصلاح شود به رغم کوشش رسانه‌ای دشمن در جنگ ترکیبی. شاید بتوانیم آن خود واقعی ایرانی خویش را نشان دهیم. در همان هیئت حقیقی که هستیم، نه چنان که بیگانه از ما تصویرسازی و تصورات جهانی را به نفع خود و علیه ما مدیریت می‌کند. ما در برابر بدی هم نیکی کردیم. رفتار ما با اسرای دشمن نه در واکنش به نوع رفتار آنان، که بر اساس این منطق و راهبرد قرآن بود که در آیه ۳۴ سوره شریفه فصلت چنین راهنمایی‌مان می‌کند که «و هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست، همیشه بدی (خلق) را به بهترین شیوه (که خیر و نیکی است) پاداش ده و (دور کن تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است، دوست و خویش توشود، باری ما بدی‌های دشمن را به نیکی جواب دادیم. همین بود که بسیاری از اسرایی که روزگاری در برابر ما خشاب خالی می‌کردند، بعد مدتی خشاب‌ها را برای جنگیدن با دشمن ما پر کردند و لشکریدر را به اراده داشتند. ما با این منطق، از دل دشمن برای انقلاب و ایران سرباز ساختیم. امروز هم می‌توانیم.



غلامرضا نینین‌اسدی
روزنامه‌نگار

همیشه گفته‌ام هرکس می‌خواهد ما را، ملت رشید ایران را بشناسد، کرپلا را بخواند. سیدالشهدا^(ع) را ببیند در قبل جنگ و جنگ و شهادت. بعد در کنار امام‌مجداد^(ع) بایستد و روشنگری حضرت زینب^(س) را بشنود. رفتار سبانه دشمن از کشتن و دریدن اهل بیت^(ع) را ببیند و شقاوتشان را در رفتار با اسرا بخواند. حکایت ما و جنگ دقیقاً همان است. دشمن ما هم همان می‌کرد که آل ابوسفیان و لشکر یزید با حجت خدا کردند. به عطش گرفتند مردمانی را که روز قبل اسب‌هایشان را هم سیراب کرده بودند. کشتند کسانی را که بالاتر از زندگی، از حق انسان برای رسیدن به حیات طیبه می‌گفتند. به اسارت گرفتند مردمانی را که معنای آزادی و آزادگی بودند. ما را با آل... خویشاوندی وثیق است. پس هرکس می‌خواهد ما را بشناسد، هم کرپلا را بخواند، هم دفاع مقدس را. تفاوت نگاه ما و دشمن و رفتارهای متقابل ما با اسرا را کلمه‌خوانی کند. آنان زندگی را برای ما حرام می‌شمردند و ما مرگ را برای آنان حرام می‌دانستیم. آنان آسودگی ما را تاب نمی‌آوردند و ما رنج و آزاری می‌شان را. آنان علم‌آموزی بچه‌های ما را نمی‌توانستند تحمل کنند و ما بی‌سوادی‌شان را. بروید بخوانید آنان در برابر تلاش سازنده فرزندان ما چه می‌کردند و ما برای درس‌آموزی به آنان چه رنج‌ها که بر خود هموار نمی‌آوردیم. آنان دندان‌های بچه‌های ما را در دهانشان خرد می‌کردند و ما برای جای خالی دندان کرم خورده آنان دندان مصنوعی درست می‌کردیم. آنان هزاران نفر از فرزندان ما را در زندان‌ها مخفی داشتند و امکان نامه‌نگاری را هم به صفر رسانده بودند. ما اما امکان دیدار خانواده‌های اسرا با فرزندان‌شان را فراهم می‌کردیم. حتی فرصت ملاقات شرعی میان همسران و اسرا را هم در برنامه‌ها داشتیم. برخی از آنان

یادداشت